

بسم الله الرحمن الرحيم

بازرگان

ارواح آتقی و صداقت

دکتر ابراهیم یزدی

سرنشانه	یزدی، ابراهیم، ۱۳۱۰ -
عنوان و نام پدیدآور	بازرگان، اسوه تقوی و صداقت / تحقیق و پژوهش ابراهیم یزدی.
مشخصات نشر	تهران: شرکت انتشارات قلم، ۱۳۹۶.
مشخصات ظاهری	۲۰۰ ص.
شابک	978-964-316-263-4
وضعیت فهرست‌نویسی	فیا،
یادداشت	کتابنامه به صورت زیرنویس.
موضوع	بازرگان، مهدی، ۱۲۸۶ - ۱۳۷۳.
موضوع	روشنفکران دینی - ایران.
موضوع	Intellectuals, Religious - Iran*
موضوع	سیاستمداران ایرانی - قرن ۱۴.
موضوع	Politicians, Iranian - 20 Century*
موضوع	نخست‌وزیران - ایران.
موضوع	Prime ministers - Iran*
رده‌بندی کنگره	DSR ۱۵۳۴/۵ ی ۲ ب ۱۳۹۶
بندی دیویی	۹۵۵/۰۸۲۴۰۹۲
شماره کتابشناسی ملی	۴۹۴۶۴ - ۸۵ م



بازرگان، اسوه تقوی و صداقت

نویسنده: دکتر ابراهیم یزدی

ناشر: شرکت انتشارات قلم

نوبت چاپ: اول، بهار ۱۳۹۶

حروفچینی و صفحه‌آرایی: حروفچینی هما (امید سیدکاسی)

چاپ: مهارت

شمارگان: ۱۰۰۰ جلد

شرکت انتشارات قلم: تهران، خیابان مطهری

نرسیده به تقاطع مفتاح، شماره ۲۴۰، طبقه پنجم

تلفن ۸۸۳۱۲۸۹۳ تلفکس ۸۸۲۹۳۶۴

شابک: ۹۷۸-۹۶۴-۳۱۶-۲۶۳-۴

ISBN: 978-964-316-263-4

همه حقوق محفوظ است

فهرست

۵	مقدمه
۹	۱. دیباچه‌ای برای سیر تحول قرآن
۴۳	۲. ابعاد چهارگانه شخصیت مهندس بازرگان
۵۳	۳. مردی که شاه‌نفس خود را مهار کرده بود
۵۹	۴. مهندس بازرگان چرا نخست‌وزیر شد؟
۶۹	۵. بازرگان و انقلاب
۷۹	۶. بازرگان: اسوه و الگو
۸۷	۷. بازرگان و احتیاج روز
۹۹	۸. بازرگان و مردم‌سالاری
۱۲۵	۹. یاد بازرگان را گرامی می‌داریم
۱۳۱	۱۰. آزادی پادزهر استبداد
۱۵۵	۱۱. بازرگان و اخلاق معطوف به ایمان
۱۶۱	۱۲. مصدق، بازرگان و مشروطه‌خواهی
۱۶۹	۱۳. بازرگان و پیرادوکس ایران
۱۸۳	۱۴. بازرگان، جمهوریت و اسلامیت

مقدمه

دانش آموز سال چهارم پنجم دبیرستان دارالفنون بودم که با فعالیت های انجمن اسلامی دانشجویان دانشگاه تهران آشنا شدم. از آن پس به طور مرتب در جلسات هفتگی پرسش و پاسخ انجمن و همچنین سخنرانی های سالانه ای که ابتدا در سالن دبیرستان دارالفنون و سپس در سالن دبستان نظامی در خیابان امام خمینی (سپه سابق)، روبه روی موزه ی ایران باستان برگزار می شد شرکت می کردم و این آثار شایسته ی من با شادروان مهندس بازرگان بود. سخنانش و منطقش در بحث ها، و چگونگی ارائه ی مطالب دینی برای نسل هم سن و سال من در آن زمان جاذب و پاسخگوی تردیدها و ابهامات بود.

من در یک خانواده ی بسیار مذهبی و متشجع بزرگ شدم، درمیان بسیاری از روحانیون رفت و آمد و نشست و برخاست داشت. در روزهای جمعه، بعد از نمازها، جلسات مذهبی در منزل ما برگزار می شد. اما منطق، کلام، سخن و استدلال های ذریه ی کان روحانی این جلسات برای من و جوانان امثال من گیرایی کافی را نداشت و با پرسش هایی که در ذهن جوانان آن زمان وجود داشت و یا توسط جوانانی که اعتقاد و علاقه ای به دین نداشتند، مطرح می شد ارتباطی نداشت. مخاطبین روحانیان در این جلسات مذهبی معمولاً جوانان نبودند. آشنایی با بازرگان افق های جدیدی را در ذهن جوانان دوران ما به وجود آورد که بی تردید در مسیر تفکرات نسل من اثر درازمدت برجای گذاشته است.

اما این تنها تفکرات دینی بازرگان و نوع ارائه ی موضوعات دینی و اجتماعی اش نبود که جوانان نظیر مرا به خود جذب می کرد. بلکه و مهمتر از آن رفتاری بی ریا، بی تکلف او و تشعشعات صداقت گفتارش بود که تأثیر اساسی داشت. در دورانی که جوانان محلی از

اعراب نه در خانواده‌ها و نه در جامعه نداشتند طرز برخورد یک استاد برجسته‌ی دانشگاه با یک نوجوان و به حساب آوردنش، آن هم نه از روی ریاکاری و محاسبات رایج سیاسی آن زمان برای جذب جوانان، بلکه براساس احترام و اعتقاد واقعی به شخصیت انسانی، بسیار کارساز بود.

هنوز دبیرستان را تمام نکرده بودم که به یک عضو فعال انجمن اسلامی دانشجویان تبدیل شدم، به طوری که هنگامی که بازرگان سخنرانی خود را تحت عنوان کار در اسلام (۱۳۲۵) در سالن دبستان نظامی ایراد می‌کرد، من مدیریت جلسه را برعهده داشتم. از آن زمان بوی نه جذب جریان روشنفکری دینی شدم.

در دورانی ۱۰ ساله از شهریور ۱۳۲۰ تا مرداد ۱۳۳۲، بخصوص در بیست و هشت ماه حکومت ملی، هشتاد و هشت مدرسه، یک حرکت فراگیر سیاسی-اجتماعی جامعه را دربر گرفته بود، گروه‌های سیاسی - ریاکاران فکری به شدت فعال بودند. بعد از دوران رخوت، سکوت و سرکوب ۲۰ ساله استبداد سلطنتی رضا پهلوی، شور و نشاط همه جا را فراگرفته بود. احزاب مختلفی با انگیزه‌های گوناگون و گرایش‌های فکری و سیاسی فعال بودند. اما در این میان یک سازمان یا حزب یا گروه منسجم که معرف جریان روشنفکری دینی باشد وجود نداشت، جمعیت مردم ایران، به رهبری مرحوم نخشب، که از نهضت خدایپرستان سوسیالیست جدا شده بود فعالیت‌هایی داشت، اما جایگاه مناسبی پیدا نکرد. شاید به همین علت بود که اعضای این جمعیت به طور دسته جمعی به حزب ایران، که سابقه و اعتباری در جنبش ملی ایران داشت، وارد شوند.

در چنین شرایطی، شاخه‌ی نهضت خدایپرستان سوسیالیست، به رهبری مهندس جلال‌الدین آشتیانی، که هنوز به فعالیت‌های غیرعلنی خود ادامه می‌داد، درصدد تشکیل یک حزب سیاسی اسلامی علنی برآمد. در سال ۱۳۳۱ از متفکرین برجسته نظیر مهندس بازرگان، دکتر سبحانی، آیت‌الله طالقانی، راشد، نوذری (از حقوقدانان) دعوت به عمل آورد. در آن زمان من دانشجوی دانشگاه و عضو منتخب سازمان ملی دانشجویان دانشگاه تهران و عضو هیأت اجرایی و شورای مرکزی انجمن اسلامی دانشجویان و همزمان با نهضت خدایپرستان سوسیالیست شاخه‌ی آشتیانی در ارتباط بودم.

در جلسات داخلی نهضت مسأله ضرورت تشکیل یک حزب ملی-اسلامی علنی

با دیدگاه‌های مترقی و عدالت‌محور مطرح و مورد بحث قرار گرفته بود. جلساتی با شرکت شخصیت‌های نامبرده در منزل مرحوم رضوی قمی در مقصودبیک تجریش به همین منظور برگزار شد. اما مهندس بازرگان و سایر شخصیت‌های دعوت‌شده، در آن زمان آمادگی برای فعالیت‌های سیاسی نداشتند و این جلسات بدون اخذ نتیجه متوقف گردید. اما بازرگان همچنان به فعالیت‌های فکری-دینی خود از طریق انجام سخنرانی‌های متعدد ادامه داد. بازرگان در این سخنرانی‌ها، به عنوان یک اسلام‌شناس، یک روشنفکر معتقد دینی، یک مصلح اجتماعی، موضوعات و مسائل جدی جامعه را مورد بررسی قرار می‌داد.

پس از کودتای ۲۸ مرداد ۱۳۳۲ و تشکیل نهضت مقاومت ملی، بازرگان و صحابی، هر دو به این نهضت پیوستند. پس از مدت کوتاهی، به ارکان اصلی فعالیت در نهضت تبدیل شدند.

بازرگان به رغم فعالیت سیاسی در نهضت مقاومت ملی، همزمان به فعالیت‌های فکری، فرهنگی خود نیز ادامه داد. بازرگان از محدود روشنفکرانی است که تأثیر بسیار عمیقی بر روند شکل‌گیری افکار، عقاید و اندیشه‌های دینی، سیاسی بخش قابل توجهی از آحاد جامعه‌ی ما بر جای گذاشته است.

در عصر مشروطه، روشنفکرانی بودند که به درجانه‌ی مختلف، بر فرایند تحولات فکری جامعه، اثر گذارده‌اند. اما حوزه‌ی تأثیرات این افراد بیست و دو سال پس از کودتای ۲۸ مرداد ۱۳۳۲، به نخبگان جامعه بوده است. در سال‌های پس از شهریور ۱۳۲۰، پس از روشنفکری جدیدی در ایران شکل گرفت که به طور عمده از وابستگان به اندیشه‌های چپ، بخصوص مارکسیستی بود. این دسته از روشنفکران به سهم خود تأثیر فراوانی بر جنبه مثبت و چه منفی، بر تحولات فکری جامعه‌ی در حال تغییر ایران داشته‌اند. اما مارکسیسم و اندیشه‌های چپ، علی‌الاصول محصول جامعه‌ی غرب و تحولات فرهنگی آن دیار محسوب می‌شود و نسبتی با جامعه‌ی ایرانی ما ندارد. بنابراین تأثیرات این گروه از روشنفکران، بعد از یک دوره‌ی طلایی، به تدریج، بخصوص بعد از موضع‌گیری‌های سیاسی حزب توده‌ی ایران و سازمان‌های وابسته به این جریان دربارۀ نفت، روبه افول نهاد. به طوری که جریان چپ نه تنها در بُعد سیاسی، بلکه در بُعد فکری و اعتقادی و ایدئولوژیک نیز موقعیت ممتاز دهه‌ی اول ۱۳۲۰ خود را از دست داد.

اما جریان روشنفکری دینی، به رغم حرکت بسیار آرام و کند خود، در دهه‌های ۱۳۲۰ و ۱۳۳۰، به تدریج و با گذشت زمان جایگاه ویژه‌ای در مناسبات فکری، فرهنگی و سیاسی جامعه‌ی ایران به دست آورد. در فرایند تحول موقعیت جریان روشنفکری دینی ایران بازرگان مقام ممتازی را داراست.

اگرچه جنبش روشنفکری دینی با گذراندن چهار دهه، در سال‌های ۱۳۲۰-۱۳۶۰، امروز با چالش‌های جدیدی روبه‌رو می‌باشد و شرایط بسیار فرق کرده است، اما به نظر می‌رسد که بازرگان همچنان مخاطبین خاص خود را دارد و آرا و اندیشه‌های او راه‌گشای برخی از چالش‌های فراروی روشنفکران دینی امروز جامعه‌ی ما باشد.

مجموعه‌ای که رپیش دارید مقالات و سخنرانی‌هایی است که صاحب این قلم به مناسبت‌های مختلف پیرامون شخصیت بازرگان و یا آثار برجای مانده‌ی وی رقم زده است. امید که مقبول اهل نظر قرار گیرد و با نقد آن صاحب این قلم را مرهون الطاف خود سازند.

ابراهیم یزدی
زمستان ۱۳۸۵